



The Function of Rumor in Popular Political Culture in the Qajar Era: The Pre-Constitutional Period

Mehdi Mirkiaei*¹

Received: 04/11/2021

Accepted: 23/02/2022

* Corresponding Author's E-mail:
mehdimirkiaei@atu.ac.ir

Research background

There is an article published on gossip in the Qajar period entitled *Rumor and spreading rumors in Qajar era* by Cheraghi. This article examines rumors made by subordinates or foreign countries; however, our research has paid attention to the political action of the lower classes and examined the role of rumors in people's lives. Some articles have dealt with the subject of rumor along with other topics, but the concept of rumor has not been the main issue of their research. For example, in *Analytical comparison between oral tradition and oral history*, Nouraie and his colleagues classify rumors as a part of the oral tradition of societies. Other studies such as *The issue of succession, political distrust, and their reflections on the ministry during Qajar dynasty* and *Critical study and analysis of the causes of Kashanis's reputation for cowardice in the Qajar period* have paid attention to some rumors that were prevalent in the Qajar period but have not dealt with the role of rumor in the political action of the masses.

Goals, questions, and assumptions

Exploring the political culture of the masses is a necessity of historical research. Rumors about the ruling elite are one way to resist them. The

1. Assistant Professor of History, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
<http://www.orcid.org/0000-0003-3101-0378>



variety of themes in these rumors reflects their various functions in the face of domination. In this study, we intend to answer these questions: How did the lower classes advance their political approaches by spreading rumors? And in which of the domains of domination were these rumors used?

Rumor is formed when there is ambiguity about an important issue (Allport & Postman, 1947). During the Qajar era, many rumors questioned the capability of the military and denied the claim of the inherent superiority of the ruling elites over the common people. It also called into question the rulers' adherence to the Shari'a. Thus, these rumors were made to resist all three realms of domination (material, status, and ideological). By making some news, people intimidated the ruling groups or blamed them compared to other rulers. Some rumors also prepared and provoked people to protest openly. Some aspirations of the masses also became rumors to reduce exploitation. The theoretical framework of the research is the theory of hidden transcripts by James C. Scott. Scott researches the political life of the lower classes. In this theory, he describes the various forms of resistance of the lower classes to domination.

Conclusion

In the Qajar era, rumor was a tool of conflict with the upper classes in all three realms: material, status, and ideology. Some rumors mocked the authority of the Qajar's armed forces. Some rumors were spread about the foolishness of the rulers, and some physically likened them to animals or introduced them as bastards. Rumors also accused the rulers of violating religious orders. On the other hand, when the rulers made rumors about their opponents, the people honored them by making rumors. Some rumors were made about the ruling elites quarreling with each other to question their unity. Also, people threatened or blamed the rulers by making rumors. Some rumors also



Culture and Folk Literature

E-ISSN: 2423-7000

Vol. 10, No. 43

April – May 2022

Research Article



gave rise to riots and open protests. Sometimes, people turned their hopes and aspirations into rumors in order to moderate their exploitation.

References

- Allport, G. W., & Postman, L. (1947). *The psychology of rumor* (translated into Farsi by S. Dabestani). Center for Research, Information, and Program Review.
- Scott, J. (1990). *Domination and the arts of resistance: hidden transcripts* (translated into Farsi by A. Khakbaz). Markaz.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۰، شماره ۴۳، فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1401.10.43.5.8

کارکرد شایعه‌سازی در فرهنگ سیاسی عامه در دوره قاجاریه،

عصر پیشامشروطه

مهدی میرکیایی*^۱

(دریافت: ۱۳/۰۸/۱۴۰۰ پذیرش: ۰۴/۱۲/۱۴۰۰)

چکیده

شایعه‌سازی درباره نخبگان حاکم در عصر پیشامشروطه، بخش مهمی از فرهنگ سیاسی توده‌ها را تشکیل می‌داد. از همین رو، شناخت جایگاه شایعه‌پردازی در کنش سیاسی فرودستان و کارکرد آن در مواجهه با سلطه اهمیت بسیاری دارد. پرسش اینجاست که پراکندن شایعات در کدامیک از رویکردهای اصلی رفتار سیاسی عامه کاربرد می‌یافت و کدامیک از قلمروهای سلطه را به‌چالش می‌کشید؟ فرض ما این است که شایعه‌سازی در هر سه رویکرد اصلی کنش سیاسی فرودستان شامل نفی روایت رسمی، خستی‌سازی راهبردهای زمامداران در شکل دادن به این روایت و برقراری گفت‌وگوی تلویحی با قدرت کارکرد داشت. همچنین، در موارد نادر بلوا و شورش، زمینه را برای اعتراض آشکار مهیا می‌کرد. پراکندن شایعات، اقتدار و مهابت نیروهای نظامی حکومت را به مناقشه می‌انداخت و ادعای برتری ذاتی نخبگان مسلط بر

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

توده‌ها را خدشه‌دار می‌کرد. همچنین پای‌بندی اجزای حکومت قاجاریه را به شریعت نفی می‌کرد و به این ترتیب هر سه قلمرو مادی، منزلتی و ایدئولوژیک سلطه با ساختن شایعات به‌چالش کشیده می‌شد. همچنین توده‌ها با ساختن شایعاتی تلاش می‌کردند نخبگان مسلط را تهدید یا سرزنش کنند. برخی از این شایعات نیز احساس توده‌ها را تا آستانه شورش و بلوا تحریک و زمینه را برای اعتراض‌های خشونت بار فراهم می‌کردند. از سویی فرودستان امیدها و آرزوهای خود را به شایعه بدیل می‌کردند تا برای کاستن از بهره‌کشی‌ها بسترسازی کنند. چارچوب نظری پژوهش، نظریه روایت‌های نهانی از جیمز سی. اسکات است که تلاش کرده ساختارهای مشابه مقاومت فرودستان در برابر سلطه را شناسایی و تشریح کند.

واژه‌های کلیدی: شایعه، قاجاریه، پیشامشروطه، فرودستان، رفتار سیاسی.

۱. مقدمه

کاوش در فرهنگ سیاسی توده‌ها از ضرورت‌های پژوهش‌های تاریخی است. نخبه‌گرا بودن بسیاری از تحقیقات و مطالعات تاریخی سبب‌ساز توجه کم‌تر به وجوه گوناگون زندگی عامه از جمله حیات سیاسی آن‌ها بوده است. این مورخان تنها در مقاطعی از عامه مردم یاد کرده‌اند که شورش یا بلوایی برپا شده است. سلطه، سبب‌ساز برانگیخته شدن مقاومت در توده‌ها می‌شد و از آن رو که توازنی در دو سوی این جبهه نبود، توده‌ها وادار می‌شدند اشکالی از مقاومت را تجربه کنند که با کم‌ترین آسیب از سوی گماشتگان قدرت مواجه شوند. شایعه‌سازی درباره نخبگان مسلط یکی از این شیوه‌های رودرویی بود. مضامین متنوع این شایعات، ما را به این نکته راهبر می‌شود که این روش می‌توانست کارکردهای گوناگونی در رویارویی با سلطه داشته باشد و زوایای تازه‌ای را از حیات سیاسی توده‌ها در دوره‌های پیشین آشکار کند.

این پژوهش تلاش می‌کند تا با بررسی درون‌مایه شایعات مختلفی که در دوره قاجاریه در عصر پیشامشروطه توسط توده‌ها درباره اصحاب سلطه پراکنده شده بودند به پاسخ این پرسش‌ها برسد که شایعه‌پراکنی فرودستان درباره طبقات مسلط به پیش‌برد

کدام‌یک از رویکردهای عمل سیاسی آن‌ها یاری می‌رساند؟ و این شایعات در رویارویی با کدام‌یک از ساحات و قلمروهای سلطه کاربرد می‌یافت؟ فرض ما این است که بسیاری از شایعه‌ها برای به‌پرسش کشیدن توانمندی و صلابت قوای نظامی حکومت و نیز ادعای برتری ذاتی و تکوینی نخبگان قاجاریه بر توده‌های مردم و همچنین پای‌بندی ایشان به شریعت طراحی می‌شدند. ادعای ارباب قدرت در این سه حوزه، زمینه‌ساز اعمال سلطه ایشان در سه ساحت منزلتی، مادی و ایدئولوژیک است و از این رو شایعات عامه برای مقاومت در برابر فرادستان در هر سه قلمرو منزلتی، مادی و ایدئولوژیک بر ساخته می‌شدند. برخی شایعات هم راهبردهای زمامداران را در صورت‌بندی روایت رسمی حکومت ختشی می‌کردند. همچنین شایعه‌سازی به عامه کمک می‌کرد تا با ساختن اخباری گروه‌های حاکم را بترسانند یا آن‌ها را در قیاس با حاکمان دیگر سرزنش کنند و به این ترتیب به ابزاری برای گفت‌وگو با ارباب قدرت تبدیل می‌شد. از طرفی بعضی شایعات، رویارویی را از عرصه و جبهه کنش‌های گفتاری بین دو سو فراتر برده، عامه مردم را برای اعتراض آشکار و مقاومت عریان آماده و تحریک می‌کردند. در این میان، برخی آرزوهای توده نیز به شایعه تبدیل می‌شدند تا زمینه کاهش بهره‌کشی‌ها را فراهم آورند.

چارچوب نظری پژوهش، نظریه روایت‌های نهانی از جیمز سی. اسکات^۱ است که تحقیقاتش را بر زندگی سیاسی فرودستان متمرکز کرده و در این نظریه، اشکال متنوع مقاومت فرودستان را در برابر سلطه تشریح کرده است.

۲. پیشینه تحقیق

پیش از این درباره موضوع این پژوهش، تنها مقاله «شایعه و شایعه‌پردازی در عصر قاجار» نوشته زهره چراغی منتشر شده که بیشتر به شایعاتی که توسط گروه‌های فرادست و همچنین کشورهای بیگانه پراکنده می‌شدند پرداخته است؛ در حالی که ما

سعی کرده‌ایم با تمرکز بر کنش سیاسی فرودستان در آن دوره، به شایعاتی که در سوی دیگر جبهه، ساخته و پرداخته‌ شده مردم بود توجه نشان دهیم و نقش آن را در حیات سیاسی ایشان بررسی کنیم.

برخی مقالات نیز به مبحث شایعه در کنار سایر موضوعات اشاره‌ گذارایی داشته‌اند یا به برخی شایعات در مناقشات سیاسی آن روز اشاره کرده‌اند بی آنکه بر روی مفهوم «شایعه» به‌عنوان مسئله محوری پژوهش خود تمرکز کرده باشند. مرتضی نورائی و همکاران در مقاله «مقایسه تحلیلی سنت شفاهی با تاریخ شفاهی» شایعه را نیز در کنار افسانه‌ها و اسطوره‌ها بخشی از سنت شفاهی جوامع می‌دانند. نویسندگان میزان فراوان شایعاتی را که گاه درباره یک حادثه واحد منتشر می‌شدند گواه اهمیت کارکردی آن می‌دانند و شایعه را به‌علت آنکه در جوامع پیشامدرن اصلی‌ترین شیوه ارتباط و انتقال اخبار بود به‌عنوان قدیم‌ترین نوع رسانه گروهی معرفی می‌کنند. اما در بحث شایعه به همین اشاره کوتاه بسنده می‌کنند و به کارکردهای متنوع آن، از جمله در حیات سیاسی عامه نمی‌پردازند.

عادل شعبانی مقدم و علی‌اکبر جعفری در مقاله «بررسی و تحلیل نقادانه علل اشتها کاشانیان به ترسویی در دوره قاجار» به مطالعه موردی یکی از شایعات دوره قاجاریه یعنی ترسو بودن اهالی کاشان، می‌پردازند و زمینه‌های تاریخی انتشار چنین شایعه‌ای را می‌کاوند و در پایان با ذکر برخی حوادث تاریخی که گواه مقاومت و سرسختی اهالی این شهر در برابر مهاجمان است تلاش می‌کنند بی پایه بودن این اشتها و شایعه را اثبات کنند. در این مقاله همت نویسندگان تنها معطوف به رد این شایعه بوده است و اشاره‌ای به شایعه‌سازی‌های سیاسی و کارکرد آن در مواجهه فرودستان با ارباب قدرت ندارند.

مرتضی دهقان‌نژاد و ایرج ورفی‌نژاد در مقاله «مسئله جانشینی، بی‌اعتمادی سیاسی و بازتاب آن در نهاد وزارت دوره قاجار» به نقش شایعات در بحران‌های جانشینی دوره قاجاریه به‌عنوان یکی از عوامل بی‌ثباتی سیاسی پرداخته‌اند. در این مقاله بحث شایعه تنها در کنار سایر عواملی که شاهان قاجاریه را به وزیران بدگمان می‌کرد مورد توجه قرار گرفته و به جایگاه شایعه‌سازی در کنش سیاسی توده‌ها که موضوع پژوهش ماست نپرداخته است.

۳. چارچوب نظری

در نظریه روایت‌های نهانی، سلطه، سبب‌ساز پدید آمدن مقاومت است و مقدم بر مقاومت فرض می‌شود (اسکات، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۴) و نظریه‌پرداز نیز نخست به ویژگی‌های سلطه در جهان پیشامدرن می‌پردازد. اسکات سلطه را در سه قلمرو مادی، منزلتی و ایدئولوژیک تشریح می‌کند. سلطه مادی به اعمال ظاهری قدرت گروه‌های مسلط اختصاص دارد. در سلطه منزلتی، فرادستان به برتری‌های تکوینی و جوهری خود نسبت به فرودستان اشاره دارند. سلطه ایدئولوژیک نیز از برخی جهان‌بینی‌ها بهره می‌گیرد تا نابرابری‌ها بین نخبگان مسلط و توده‌ها را توجیه کند.

گروه‌های حاکم برای پیشرفت سلطه در این سه قلمرو یک «نمایش عمومی» یا «روایت رسمی» را طراحی می‌کنند. این نمایش، تصویری است که ارباب قدرت از خود و شیوه حکمرانی‌شان در انظار عامه می‌سازند. این تابلو اقتدار چشمگیر فرادستان در سرکوب مخالفان، تقید ایشان به یک ایدئولوژی مشخص، برتری ذاتی بر زیردستان و نیز راحت و رضایت رعایا را تبلیغ می‌کند. برای برساختن چنین تصویری، نخبگان حاکم از پنج راهبرد بهره می‌برند: پنهان‌سازی، تلطیف، بدنام‌سازی، رژه و تجمع، و اجماع.

در «پنهان‌سازی» هر چیزی که اقتدار گروه‌های مسلط یا تقید آن‌ها را به یک ایدئولوژی خاص زیر سؤال می‌برد از چشم جامعه پنهان نگه داشته می‌شود. راهبرد «تلطیف» برای آراسته کردن برخی اعمال صاحبان قدرت به کار می‌رود که قابل پنهان کردن نیستند. «بدنام‌سازی» برای بی‌اعتبار کردن افراد یا فعالیت‌هایی به کار می‌رود که نمایش عمومی حکومت‌ها را مخدوش می‌کنند. چهارمین راهبرد «خلق ظاهر اجماع در میان گروه‌های حاکم» است (همان، ص. ۶۷). آن‌ها می‌کوشند «اختلاف‌نظرها، مجادله‌های رسمی و اظهارنظرهای نامناسب [پیرامون یکدیگر] را به حداقل ممکن برسانند و هرگاه ممکن باشد از دید همگان دور نگه دارند» (همان، ص. ۶۷). اسکات، راهبرد پنجم یا «رژه و تجمع» را «نمایش آیینی سلطه» می‌نامد (همان، ص. ۷۲). رژه، تابلوی زنده از «نظم و کنترل متمرکز» را به نمایش می‌گذارد (همان، ص. ۷۱).

فرودستان در مواجهه با این تکاپوهای نخبگان مسلط، در بخش اعظم حیات سیاسی خود به صورت هم‌زمان سه رویکرد گفت‌وگو با ارباب قدرت، نفی روایت رسمی حکومت و خنثی‌سازی راهبردهای پنج‌گانه زمامداران را پیش می‌برد و در مواردی نادر و کم‌شمار به اعتراض آشکار و واکنش خشونت‌بار روی می‌آورند.

توده‌ها به صورت دائمی تلاش می‌کنند گفت‌وگویی را با ارباب سلطه برقرار نگه دارند. عامه به تهدید گروه‌های حاکم می‌پردازند و برای مصون ماندن از گزند نخبگان مسلط، تهدید خود را در قالب‌هایی فرهنگی استتار می‌کنند که ظرفیت برداشت مضامین دوگانه از آن‌ها وجود داشته باشد؛ یک مضمون سیاسی و دیگری مضمونی بی‌ضرر. توده‌ها در گفت‌وگو با اصحاب سلطه از سرزنش ایشان نیز غافل نیستند و در اینجا هم از سخنان دوپهلوی بهره می‌برند.

نفی روایت رسمی، رویکرد دیگر فرودستان در رویارویی با گروه‌های مسلط است. اگر توده‌ها در گفت‌وگو با زمامداران به باور داشتن روایت و نمایش آن‌ها تظاهر می‌کنند هنگامی که از نظارت قدرتمندان آسوده می‌شوند در گوشه‌های امن خانه‌ها یا

کارکرد شایعه‌سازی در فرهنگ سیاسی عامه در دوره قاجاریه، ... مهدی میرکیایی

محافل خصوصی، جایی که اسکات آن را «گهواره روایت نهانی» می‌خواند، از نخبگان حاکم انتقاد و تلاش می‌کنند درباره تمام ابعاد نمایش عمومی یا روایت رسمی حکومت تردید کنند و «روایت نهانی» خود را سامان دهند. به بیان اسکات «نفی و خشتی‌سازی» یکی از ویژگی‌های روایت نهانی است تا برخی ادعاهای زمامداران در روایت رسمی را نفی کنند و بعضی از راهبردهای پنج‌گانه آن‌ها همچون پنهان‌سازی، بدنام‌سازی و اجماع را خشتی کنند. این کنش توده «ویژگی انعکاسی روایت نهانی» نامیده می‌شود.

اما بخش بزرگی از عمل سیاسی عامه به «نقد قدرت در حضور قدرت» تعلق دارد؛ جایی که فرودستان سعی می‌کنند روایت نهانی را از کنج محافل امن بیرون بکشند و در سطح جامعه مطرح کنند. این انتقاد نیازمند بهره‌گیری از شگردهایی است که هم‌زمان با به اشتراک گذاشتن مضامین منتقد، گویندگان را از آسیب ارباب قدرت در امان نگه دارد. فرودستان با بهره‌گیری از استتارهای پیچیده و ساده به «نقد مشترک سلطه» در جامعه می‌پردازند. استتار پیچیده که پیش از این نیز ذکر شد با بهره‌گیری از صنایع ادبی و قالب‌های فرهنگی، بن‌مایه معترض و سیاسی را در پس درون‌مایه‌ای معصومانه و بی‌ضرر پنهان می‌کند. اما در استتارهای ساده تنها گویندگان و پیام‌آوران پنهان می‌شوند، نه پیام. در نظریه روایت‌های نهانی از این روش به‌عنوان «تاکتیک گمنامی» نیز یاد می‌شود. شفاهی بودن قوالب گوناگون فرهنگ عامه ظرفیت مناسبی را برای گمنام ماندن خالقان نخستین و نیز انکار مضامین نهفته در آن‌ها در اختیار توده‌ها قرار می‌داد. گونه‌های مختلف ادبیات عامه به‌صورت شفاهی در جامعه منتشر می‌شدند و شنوندگان به میل خود تغییراتی را در آن‌ها ایجاد می‌کردند و در مدت زمانی اندک، یافتن متن نخست که همه تغییرات بر مبنای آن انجام شده بود، غیرممکن می‌شد. به این ترتیب، محصولات فرهنگ و ادب عامه مالکیتی جمعی می‌یافت که گماشتگان قدرت را در

یافتن مؤلفان اصلی آن‌ها ناکام می‌گذشت. از طرفی هر نقل و خوانشی از این آثار با خوانش دیگر متفاوت بود و چون متن مکتوبی از آن‌ها وجود نداشت گویندگان در برابر دستگاه تفتیش حکومت می‌توانستند اجرا و نقل خود را انکار کنند.

۴. شایعه چیست؟

تعاریفی که پژوهشگران برای مفهوم شایعه ارائه کرده‌اند در بسیاری از موارد دارای مضامینی مشترک است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد این محققان درباره‌ی تعریف شایعه اتفاق نظر دارند. آلپورت و پستمن در اثر مشهوری به نام «روانشناسی شایعه» می‌نویسند: «شایعه عبارت است از یک گزاره‌ی خاص مبتنی بر گمان، بدون وجود ملاک‌های اطمینان‌بخش رسیدگی که معمولاً به صورت شفاهی از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود» (آلپورت، ۱۳۷۴، ص. ۹) و «میزان رواج شایعه تقریباً برابر است با حاصل ضرب اهمیت در ابهام موضوع» (همان، ص. ۴۵). یعنی «هرگاه ابهام یا اهمیت صفر باشد شایعه‌ای وجود نخواهد داشت» (همان، ص. ۴۵).

دیفونزو نیز شایعه را به عنوان «عبارت‌های اطلاعاتی تأیید نشده، راه‌گشا و در گردش» تعریف می‌کند که «در موقعیت‌ها یا بافت‌های دارای ابهام، خطر یا تهدید بالقوه پدید می‌آید». او به تعاریفی از سایر پژوهشگران نیز ارجاع می‌دهد که تفاوت چندانی با هم ندارند. از قول جامعه‌شناسی به نام شیبوتانی (۱۹۶۶) می‌نویسد: «وقتی اطلاعات رسمی وجود نداشته باشد افراد به صورت غیررسمی این فقدان اطلاعات را جبران می‌کنند». همچنین نظر پژوهشگر دیگری را به نام روستو (۱۹۷۴) منعکس می‌کند که شایعه را محصول فرایند «تفسیر و تعبیر گروهی» می‌داند. محققان دیگری همچون آر.اچ ترنر (۱۹۹۴) و ان تاکی (۱۹۹۴) و فیسک (۲۰۰۴) هم تعاریف مشابهی ارائه داده‌اند (دیفونزو، ۱۳۹۶، صص. ۴۸-۵۰).

بنابراین، می‌توان کلیدواژه‌های اهمیت، ابهام و انتقال جمعی را در بسیاری از این تعریف‌ها مشاهده کرد. اما انتقال جمعی مشروط به هم‌فکر بودن افراد آن جمع است: «شایعه در بین افراد هم‌فکر رواج می‌یابد. لذا در مورد جمعیتی با اختلاف‌نظرهای بالا و ارتباطات ناچیز بین گروه‌های ناهمگن، شایعه از موانع اجتماعی عبور نمی‌کند و رواج محدودی خواهد داشت» (آلپورت، ۱۳۷۴، ص ۴۶). انتشار شایعه همچنین به علایق و تمایلات و احساسات این گروه‌ها بستگی دارد: «شایعه به اعتبار علایق ناقلان آن به حرکت درمی‌آید و در جامعه‌ای با احساسات همگن به سفر خود ادامه می‌دهد [...]» به عبارت دیگر، شایعه عملاً به توضیح، توجیه و معنادار کردن منافع عاطفی خاص می‌پردازد» (همان، ص ۵۴). دیفونزو نیز تأکید می‌کند:

شایعه هرگز تفکر شخصی محض نیست. شایعات، رشته‌هایی در بافت پیچیده تعاملات اجتماعی و به‌منزله کالاهای اطلاعاتی هستند که بین سوداگران رد و بدل می‌شوند. به این ترتیب شایعه‌ها از طریق فرایندی مشابه با انتخاب طبیعی بقا می‌یابند. شایعه‌های «به‌دردنخور» از بین می‌روند و انتقالشان متوقف می‌شود (همان، ص ۶۰).

جیمز سی. اسکات، واضع نظریه روایت‌های نهانی، نیز که پژوهش ما با تکیه بر آن شکل گرفته، معتقد است شایعات در حقیقت «یک صدای دموکراتیک نهانی» (اسکات، ۱۳۹۶، ص ۱۵۵) هستند؛ چون تنها در صورتی منتشر می‌شوند که جمعیت قابل‌اعتنایی آن را نقل کنند و «اگر آن‌ها از بازگویی داستان خودداری کنند شایعه محو می‌شود» (همان، ص ۱۵۵). بنابراین اگر شایعه‌ای در ادوار پیشین، به‌صورت گسترده منتشر شده و این وسعت انتشار به اندازه‌ای است که ناظران حوادث، آن‌ها را در آثار خود نقل کرده‌اند بی‌گمان مورد توجه عامه مردم بوده و توسط ایشان نقل و بازگو می‌شده است و گرنه انتظار می‌رفت که به سرعت ناپدید شود و ردی از آن برجا نماند.

از همین رو دست عامه مردم را در انتشار تمام شایعاتی که از عصر پیشامشروطه در منابع باقی مانده‌اند می‌توان دید حتی اگر گزارشگران به صراحت به ساخته شدن این شایعات به دست عموم مردم اشاره نکرده باشند.

۵. نفی روایت رسمی نخبگان حاکم

روایت رسمی یا نمایش عمومی حکومت قاجاریه را می‌توان در تمام متن‌هایی که حکومت در تولید و شکل‌گیری آن‌ها دستی داشت، رصد و ردیابی کرد؛ از روزنامه‌های دولتی تا خطابه‌های سلام نوروزی، القاب اعطایی، تاریخ‌نگاری‌ها و نیز سیاست‌نامه‌هایی که برخی ارباب قلم به هواداری از دربار قاجاریه تألیف می‌کردند.

نمایش اقتدار حکومت قاجاریه یکی از دغدغه‌های اصلی مؤلفان این متون بوده است تا تابلویی که حکومت از خودش عرضه می‌کرد زمینه‌ساز صورت‌بندی قلمرو نخست سلطه یا سلطه مادی باشد. القاب گرگ‌افکن، کرگدن‌اوژن، ضیغم‌ستیز و پلنگ‌آویز (ساروی، ۱۳۷۱، ص. ۲۱) برای آقامحمدخان قاجار یا شاهنشاه دشمن‌شکن (خاوری، ۱۳۸۰، ج ۱/ص. ۵۷) برای فتح علی‌شاه و لقب قیامت‌اثر (همان، ص. ۵۸) برای سپاه او.

اما بنابر ویژگی انعکاسی روایت‌های نهانی، هر قدر اصرار حکومت در اثبات اقتدارش بیشتر باشد تلاش فرودستان در روایت نهانی‌شان بر تحقیر این صلابت و اقتدار بیشتر است.

در لشکرکشی انگلستان به جنوب ایران در سال ۱۲۷۳ هجری شایعات مضحک و طنزآمیزی درباره چگونگی فرار صاحب‌منصبان قشون قاجاریه از برابر نیروهای انگلستان در بین مردم دهان به دهان می‌چرخید. یکی از سرکرده‌های فوج کزازی چنان در گریز از میدان جنگ شتاب داشت که قشون اسبش را که به پشتش می‌خورد کمند

کارکرد شایعه‌سازی در فرهنگ سیاسی عامه در دوره قاجاریه، ... مهدی میرکیایی

دشمن می‌شمرد و فریاد می‌کشید: «سوار!... امان...». نوکرش که شاهد این وضع بود خواست اشتباه او را گوشزد کند، فریاد زد: «آقا، سوار نیست. قشخون است». صاحب‌منصب فوج با استرحام بیشتری می‌گفت: قشخون بیک! امان... امان...». مستوفی با نقل این داستان و چند ماجرای دیگر تصریح می‌کند این‌ها «متلک‌ها»یی بودند که مردم «برضد اشخاص قاصر یا مقصر در دهن‌ها می‌انداختند تا لامحاله دق دلی خالی کرده باشند» (مستوفی، ۱۳۷۷، ج. ۱/ص. ۸۴).

اما اسکات، سلطه منزلی را زمینه‌ساز و پیش‌نیاز سلطه مادی می‌داند. به بیان او هرگونه سلطه‌ای با تحقیر و توهین همراه است (اسکات، ۱۳۹۶، ص. ۳۱).

روایت رسمی حکومت قاجاریه برای اثبات سیادت ذاتی اجزای خود، به‌ویژه شاه و شاهزادگان، با ساختن القابی که هر یک بر تمایز جوهری ایشان از سایر مردم انگشت تأکید می‌گذاشت صورت‌بندی می‌شد؛ القابی همچون «دارنده ضمیر الهام مظاهر»، «نخبه امتزاج لیالی و ایام» (خاوری، ۱۳۸۰، ج. ۱/ص. ۱۰) و «زبدۀ نتایج عناصر و اجرام» برای شاه و لقب‌هایی مانند «جلالت و نبالت اکتناه» (همان، ص. ۱۵) و «مناعت اکتناه» (همان، ص. ۱۴) برای شاهزادگان. اما از آنجا که «شکل مقاومت بازتابی از شکل سلطه است» (اسکات، ۱۹۹۲، ترجمه خاکباز، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۴) مردم نیز باید با ساختن شایعاتی، نخبگان قاجاریه را از جایگاه فرانسائی‌شان فرومی‌کشیدند.

اثبات نامشروع بودن فرادستان و حتی شخص ناصرالدین شاه، سلاحی کارا در نفی سیادت ذاتی ایشان بود. اتهام زنای محصنه به مهدعلیا، مادر شاه، و عدم وفاداری او به همسرش بر سر زبان‌ها بود و «در چشم مردم کوچه و بازار، میان اتهام عدم وفاداری مادر و حرام‌زادگی پسر فاصله چندانی نبود» (امانت، ۱۳۸۵، ص. ۸۵). ادوارد یاکوب پولاک^۲، طبیب ناصرالدین شاه، می‌نویسد: «ماجرای جوی‌های وی ماده اصلی حرف مفت‌های رایج در شهر است» (پولاک، ۱۳۶۸، ص. ۱۶۴).

واکنش به تبارسازی‌های قاجاریه و گاه تصویرسازی فرانسوی از آن‌ها در شایعاتی آشکار می‌شد که برعکس، آن‌ها را به حیوانات نزدیک می‌کرد؛ همچون شایعه‌ای که طایفه‌ای از قاجارها را دارای دم‌های کوتاهی می‌دانست (هدایت، ۱۳۷۸، ص. ۱۵۹).

نفی برتری ذاتی فرادستان در بسیاری اوقات با پراکندن شایعاتی صورت می‌گرفت که قوه تمیز و تشخیص آن‌ها را نشانه می‌گرفت. در این شایعه‌ها عناصر حکومت قاجاریه نه تنها از مزیت ویژه‌ای نسبت به عامه برخوردار نبودند، بلکه قوه ادراک و تراز هوشی آن‌ها از تراز معمول جامعه نیز پایین‌تر بوده، به بلاهت پهلو می‌زد. همچون شایعه‌ای که پیرامون محمد ابراهیم خان معمارباشی که به مقام وزارت تهران رسیده بود منتشر شد. این فرد که با اتکا به اینکه برادر همسر شاه است به این منصب رسیده بود هنگامی که خدمه‌اش از او می‌پرسند با خاکی که از بنایی باقی مانده چه کار کنیم؟ دستور می‌دهد چاهی کنده، این خاک اضافه را درون چاه بریزند. عبدالله مستوفی این روایت را از ایام نوجوانی خود در عصر ناصری نقل کرده است، می‌نویسد: «با توجه به اینکه حرفه اصلی او معماری بوده است این ماجرا باورکردنی نیست» (مستوفی، ۱۳۷۷، ج. ۱/ص. ۱۹۳).

اما رویارویی توده‌ها با فرادستان جبهه سومی هم داشت که در قلمرو دیگر سلطه یا سلطه ایدئولوژیک شکل می‌گرفت. دربار قاجاریه از آغاز سعی داشت تشریح و تدین شاهان این سلسله را در چشم عامه بنشانند. القاب شهنشاه دین (خاوری، ۱۳۸۰، ج. ۱/ص. ۲۲۹)، شاهنشاه با داد و دین (همان، ص. ۲۱) و شاهنشاه اسلام‌پناه (همان، ص. ۲۲۹) با چنین رویکردی ساخته می‌شدند. چنین ادبیاتی با پاسخ متوازن و سخت روایت نهانی عامه مواجه می‌شود. سفر امینه اقدس، همسر ناصرالدین شاه، در سال ۱۳۰۷ هجری به فرنگ برای معالجه چشم با انتشار شایعاتی درباره روابط او با رجال

کارکرد شایعه‌سازی در فرهنگ سیاسی عامه در دوره قاجاریه، ... مهدی میرکیایی

اروپایی همراه شد. این شایعه در قالب سروده‌ای کوتاه، در روزهایی که هنوز امین‌آقاس از سفر باز نگشته بود، در تهران منتشر شد:

چون که مادام‌های شهر فرنگ شاه را دست خواهری دادند

بعد چندی که شاه همسر خود به دیار اروپا فرستادند

لردهای فرهنگ برادر وار همسر شاه[....]

(اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱، ص. ۶۹۵)

در همین دوران شایع می‌شود همسر شاهزاده ابوالنصر میرزا، فرزند حسام‌السلطنه سلطان مراد میرزا، با انگیزه خیانت به همسرش او را به قتل رسانده است (ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۲، ص. ۲۹۳).

شایعه ارتباط دوست محمدخان معیرالممالک با دخترش فخرالتاج و حامله شدن دختر نیز نمونه‌ای است از انتقام سخت توده از تظاهرات دینی و ایدئولوژیک ارباب قدرت در آن دوران؛ به گونه‌ای که تصنیفی مستهجن هم که در همان دوران دهان به دهان می‌چرخید با صراحت تمام این ماجرا را روایت می‌کند و بعد به ادعای مسلمان بودن معیرالممالک می‌رسد:

با کمال آسانی داد از این مسلمانی

ای معیر ثانی قدر خود نمی‌دانی

(شاملو، ۱۳۷۸، ج. ۱، حرف الف/ص. ۱۲۲۸)

شایعه همجنس‌باز بودن شاهزاده جعفرقلی میرزا که در مشهد پراکنده شده بود نیز از همین دست است (بامداد، ۱۳۶۳، ج. ۵/ص. ۶۳).

شایعه نگهداری خنجر شمر در خانه خاندان علاءالدوله (بامداد، ۱۳۶۳، ج. ۳/ص. ۱۹۳) نیز که پشت در پشت، شغل نسفچی‌باشی را به عهده داشتند، این خانواده را میراث‌دار شمر بن ذی‌الجوشن معرفی می‌کند.

این رویکرد عامه در شایعه ربنده شدن دختر رئیس نظمیه تهران نیز به نیکی هویداست. ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به فرنگ، یک افسر ایتالیایی به نام کنت دو مونت فورت را به ایران آورد و ریاست نظمیه تهران را به او سپرد. کنت وانمود می کرد که به شدت با فحشا مخالف است و تلاش می کرد فواحش را از تهران اخراج کند. اما شایع شد که لیلا، دختر کنت، را دزدیده اند و پای او به محلات بدنام تهران باز شده است. والتین ژوکوفسکی که در سالهای پایانی عصر ناصری برای پژوهش در ترانه های عامیانه به ایران آمده بود می نویسد: «مردم در جواب تعقیب زنان بدکاره به امر کنت، این تصنیف را برای دخترش ساختند و در این تصنیف، وی را به گونه موجود فاسدی تصویر کردند» (همان، ص. ۶۹):

لیلا را بردند گود قداره	براش آوردند ساز و نقاره
لیلا را بردند به باغ انگور	براش آوردند دنبک و ستور
لیلا را بردند گود فیروزه	پولش ندادند دلش می سوزه

(همان، ص. ۷۱)

بدیهی است با دستگاه تفتیش و مراقبتی که کنت ساخته بود و گزارش های خفیه نویسان او از ساده ترین حوادث شهر، گواه اشراف نظمیه به حوادث شهر بود (شیخ رضایی، ۱۳۷۵). ربایندگان دختر کنت نمی توانستند او را محله به محله، به خصوص در مناطق بدنام بگردانند و این تنها شایعه ای بود که به تصریح ژوکوفسکی مردم با ساختن آن می خواستند دختر کنت را به گونه موجودی فاسد «تصویر کنند».

۶. خنثی کردن دو راهبرد بدنام سازی و اجماع

شایعه سازی به همان اندازه که سلاح توده ها در به چالش کشیدن روایت رسمی حکومت و مواجهه با فرادستان در هر سه قلمرو مادی، منزلتی و ایدئولوژیک سلطه بود

کارکرد شایعه‌سازی در فرهنگ سیاسی عامه در دوره قاجاریه، ... مهدی میرکیایی

ابزاری کارا نیز برای گروه‌های مسلط به‌شمار می‌رفت تا به‌ویژه راهبرد بدنام‌سازی را به یاری آن پیش ببرند.

در سال ۱۳۰۸ هجری که سید جمال‌الدین اسدآبادی از بست حرم عبدالعظیم بیرون کشیده و تبعید می‌شود حکومت شایع می‌کند که او نامختون است. سیدجمال‌الدین اسدآبادی در نامه‌اش به میرزای شیرازی به این شایعه‌سازی حکومت اشاره می‌کند (کرمانی، ۱۳۸۴، ص. ۷۱). در همان سال، هنگامی که حاج سیاح محلاتی و میرزا رضا کرمانی در زندان قزوین محبوس می‌شوند در شهر شایع می‌کنند که این افراد جمهوری خواهند و قبر جمهور در شام است (محلاتی، ۱۳۵۶، ص. ۳۸۳).

شاهزاده عین‌الدوله نیز در دورانی که بر منصب صدارت عظمی تکیه داشت هنگامی که چهارده تن از طلاب مدارس تهران را به زندان اردبیل می‌فرستد به سعدالسلطنه حاکم اردبیل می‌نویسد: «این جماعت لامذهب و مزدکی می‌باشند. نهایت سختگیری و مراقبت را از آن‌ها داشته باشید» (کرمانی، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۶). در طول مسیر نیز سواران حکومت رو به مردمی که از کند و زنجیر شدن طلاب متأثر شده بودند این طلاب را بابی می‌خواندند (همان، ص. ۱۳۵).

اما در اینجا نیز ویژگی بازتابی روایت نهانی و کنش خستی‌سازی باعث می‌شود عامه، داستان‌ها و شایعاتی را در بزرگداشت مخالفان یا مغضوبان حکومت نشر دهند. داستان‌هایی که درباره هوشیاری و زیرکی میرزا تقی‌خان امیرکبیر در عصر ناصری بر سر زبان‌ها بود نمونه‌ای از شایعاتی است که توده‌ها جهت تکریم امیر ساخته بودند. عبدالله مستوفی می‌نویسد: «در ایام جوانی خود از این قصه‌ها از دوره امیر نظام زیاد شنیده‌ام» (مستوفی، ۱۳۷۷، ج. ۱/ص. ۷۵) و با نقل یکی از آن‌ها می‌گوید: «شاید این داستان از

ساخته‌های اهل دوره باشد، زیرا نظیر آن در کتاب‌ها از سیاست و تدبیر بزرگان گذشته نقل شده» (همان، ص. ۷۴).

پس از اعدام میرزا رضا کرمانی هم سروده‌ای منسوب به او در میان مردم شهرت فراوانی پیدا می‌کند:

غلام شاه جهانم

محب هشت و چهارم

فدایی همه ایران

رضای شاه شکارم

حاجی یحیی دولت‌آبادی خود را سراینده این بیت معرفی می‌کند که در پاسخ به اتهام بابی بودن میرزا رضا کرمانی که از سوی دربار منتشر شده بود آن را سروده و شایع کرده است (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ج. ۱/ص. ۱۵۳). والتین ژوکوفسکی^۳ که در همان دوران مشغول گردآوری ترانه‌های عامیانه ایران بود می‌نویسد: «بنا به گفته مردم، میرزارضا درحالی که ناصرالدین شاه را می‌کشت این اشعار را بر زبان می‌راند» (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۹).

شایعه‌سازی توده‌ها راهبرد اجماع نخبگان مسلط را نیز نشانه می‌رفت. سعی فرادستان برای ارائه تصویر جبهه واحد از خود و پنهان کردن هرگونه اختلاف نظر با کوشش توده‌ها برای برجسته کردن منازعات و تعارض بین آن‌ها همراه است. فرودستان اگر اخباری را مبنی بر کشمکش‌های درونی فرادستان دریافت کنند آن را فوراً به یکدیگر اطلاع می‌دهند تا گواهی باشد بر ضعف اردوی نخبگان مسلط. در عصر ناصری یکی از موضوعاتی که دست‌مایه بسیاری از شایعات برای به پرسش کشیدن ادعای اجماع حکومت قاجاریه قرار می‌گرفت علاقه ظل‌السلطان به تصاحب ولایت‌عهدی و کنار زدن برادرش مظفرالدین میرزا، ولیعهد، بود: «عوام معتقد بودند که

کارکرد شایعه‌سازی در فرهنگ سیاسی عامه در دوره قاجاریه، ... مهدی میرکیایی

او شمشیری هم به استاد‌های اصفهان سفارش داده و روی تیغه آن مظفرکش نوشته است» (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱/ص. ۳۷۶).

این شایعات حتی پس از به شاهی‌رسیدن مظفرالدین میرزا هم ادامه یافت. ویلفرد اسپاروی^۴، معلم فرزندان ظل‌السلطان، داستانی را که در آن روزها در اصفهان رایج بود نقل می‌کند که ظل‌السلطان به صورت ناشناس در بیابان با چوپانی رودررو می‌شود و چوپان مدعی است در کتاب تقدیر خوانده است ظل‌السلطان شاه ایران خواهد شد و سپس با نقل داستانی از کودکی او و برادرش، مظفرالدین میرزا، نتیجه می‌گیرد که او تاج را از برادرش خواهد ستاند: «نه آن که پشت خود را به عنوان سلام حقارت‌بار برای او خم کند» (اسپاروی، ۱۳۶۹، ص. ۲۳۰). این شایعات در دوران سفر ظل‌السلطان به تهران و دیدارش با مظفرالدین شاه به اوج رسید (همان، ص. ۲۳۹).

شایعه دیگری که پیرامون ظل‌السلطان شکل گرفت تا منازعات درونی نخبگان قاجاریه را برجسته‌تر کند قتل صارم‌الدوله، شوهرخواهر، او بود. مردم در تصنیفی که در همان روزها درباره این ماجرا ساختند قتل او را به گردن ظل‌السلطان انداختند:

پشتت دادی به پستی صارم‌الدوله رو تو کشتی
کفشاتا گیوه کردی خواهرتسا بیوه کردی

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱/ص. ۳۷۷)

اما حتی محمدحسن خان اعتمادالسلطنه که صارم‌الدوله برادر همسرش بوده و به اظهار خودش صمیمیت فراوانی با او داشته، از مرگ او بسیار متأثر بوده و درحالی‌که بسیاری از جزئیات وقایع دربار و کشمکش‌های پشت پرده حکومت قاجاریه را در روزنامه خاطراتش ثبت کرده، در ذکر مرگ صارم‌الدوله هیچ اشاره‌ای به قتل احتمالی او توسط ظل‌السلطان نکرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱، ص. ۵۴۲) و این قتل، گواهی جز شایعه و تصنیفی که عامه پیرامون آن ساختند نداشته است.

۷. گفت‌وگو با سلطه: تهدید و سرزنش

عمل سیاسی عامه به نفی و ختنی‌سازی نمایش عمومی حکومت محدود نمی‌شد، بلکه توده‌ها روش‌هایی را نیز برای برقراری گفت‌وگو با اصحاب سلطه صورت‌بندی می‌کردند. سرزنش و تهدید فرادستان، بخش مهمی از این گفت‌وگو را تشکیل می‌داد که باید چنان با ظرافت و زیرکی طراحی می‌شد که بی‌آنکه گزند و آسیبی از سوی ارباب قدرت به مردم برسد پیام آن‌ها را نیز به ایشان منتقل کند. توسل به مضامین دوپهلوی که یک معنای آن معصومانه و بی‌ضرر و معنای دیگر آن سیاسی است شگرد توده در طراحی این تهدیدها و سرزنش‌هاست.

یکی از روش‌های سرزنش زمامداران قاجاریه ذکر نیکی‌ها و یاد خیر از فرمانروایان پیشین ایران یا حاکمان سرزمین‌های دیگر بود. شایعه‌ای که دربارهٔ ساخته شدن سدی در نزدیکی قوچان به دست بایسنقر میرزا در این منطقه رواج داشت از این دست است. چارلز ادوارد بیت^۵ که در عصر ناصری از این سد دیدن کرده است می‌نویسد: «باور مردم بر این بود که در زیر پایهٔ سد، به میزان کافی پول برای تعمیر آن در صورت شکستن و یا وارد شدن هر گونه خسارتی به آن، موجود است [...] و شعری را از حفظ داشتند که ترجمهٔ آن چنین است: هنگامی که سد خراب شود و احتیاج به تعمیر داشته باشد بانی سد، هفت خم پر از طلا در زیر پایهٔ سمت چپ نهفته است که آیندگان می‌توانند به مصارف و مخارج تعمیرات و خرابی‌های سد برسانند» (بیت، ۱۳۶۵، ص. ۳۳۶). بیت سپس تأکید می‌کند: «تا آنجا که من می‌دانم تاکنون کسی موفق نشده است این هفت خم پر از پول را پیدا کند» (همان، ص. ۳۳۶). بیت در جای دیگری تأکید می‌کند: «گاهی اوقات در این داستان‌ها زیرکی خاصی نهفته است» (همان، ص. ۱۲۴).

همچنین در آن عصر شاهد پراکندن شایعه‌هایی هستیم که فرادستان را در ضمن معنای ظاهری خود تهدید هم می‌کرد.

کلنل کاساکوفسکی^۶، فرمانده بریگاد قزاق در پایان عصر ناصری و عصر مظفری، گزارش خفیه‌نویسان را از شایعاتی که درباره ترور ناصرالدین شاه در قهوه‌خانه‌های تهران ردوبدل می‌شود نقل می‌کند. در این شایعات، مردم، همدستان زیادی را برای میرزا رضا کرمانی تراشیده‌اند و او را به مجموعه بزرگی از هم‌فکرانش متعلق می‌دانند که در تهران و شهرهای دیگر پراکنده‌اند (کاساکوفسکی، ۱۳۵۵، ص. ۷۶). این درحالی است که با انتشار استنطاق‌های میرزا رضا کرمانی مشخص شد او نام هیچ کس را به‌عنوان همدست خود ذکر نکرده بود و اعدام او به‌تنهایی نیز گواه همین امر است. انتشار این شایعه می‌تواند اجزای حکومت را از یک سازمان زیرزمینی و تشکلی از مخالفانی همچون میرزا رضا بترساند. چنین تهدیدهای ضمنی و پوشیده می‌توانست یاری‌رسان زبردستان در ایجاد موازنه‌ای با تهدیدهای دائمی فرادستان باشد.

نمونه چنین شایعاتی باز هم در همین دوران قابل رصد است. با به تخت نشستن مظفرالدین‌شاه، نفرت و بیزاری فراوانی از کسانی پدید آمد که همراه شاه از تبریز به تهران آمده بودند. در رأس این افراد، شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما قرار داشت. با عزل میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان از صدارت، فرمانفرما به شخص مقتدر دربار تبدیل شد و بدیهی است که این وضعیت به نگرانی مردم دامن می‌زد: «مردم آشکارا از قرار گرفتن قدرت در دست فرمانفرما ناراضی‌اند و گاهی حتی لعن و نفرین شنیده می‌شود» (همان، ص. ۱۳۵). شکل‌گیری شایعه درباره بازگشت قریب‌الوقوع امین‌السلطان نمونه‌ای از تهدید پوشیده فرمانفرما و افراد پیرامون اوست. کاساکوفسکی می‌نویسد: «در میان مردم شایع است که امین‌السلطان با شاه قول‌و‌قرار دارد که به مدت یک ماه تهران را ترک نماید تا به محض بروز بی‌نظمی مراجعت کرده و همه به دوران رسیده‌های فعلی را اردنگی کند» (همان، ص. ۱۳۵).

۸. بسترسازی برای شورش

بنابر نظریه روایت‌های نهانی «شایعاتی که بار سیاسی دارند به راحتی می‌توانند نخستین جرقه اقدامات خشونت‌بار را بزنند» (اسکات، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۰) و زمینه‌سازی مؤثر شایعات برای اقدامات عملی توده‌ها «بخشی تفکیک‌ناپذیر از فرایند انقلابی» است (همان، ص. ۱۶۰).

در جنبشی که در اعتراض به امتیاز نامه رژی به راه افتاد در اصفهان شایع شد که انگلیسی‌ها اجازه یافته‌اند برای جست‌وجوی تنباکو وارد خانه‌ها شوند. به بیان اسپاروی، معلم انگلیسی فرزندان ظل‌السلطان، این شایعه می‌توانست به مقاومت سرسختانه مردم منتهی شود: «اشاره به اینکه محرمیت خانه‌ها در خطر تخطی است برای تحریک قوه حیاتی غیرقابل مقاومت این نژاد کفایت می‌کرد» (اسپاروی، ۱۳۶۹، ص. ۱۸۷).

در شورش ۱۲۹۶ هجری در اصفهان نیز که نخست با اعتراض به قیمت نان آغاز شد و سپس به اعتراض به شیوه اداره شهر و حاکمیت ظل‌السلطان منتشر شد شایعه‌ای انتشار یافت که: «کنترل شهر به اجنبی تفویض شده و امنیت مسلمانان به دست بیگانگان افتاده است» (مارتین، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۷).

در فضای ملتهب پس از انتشار فتوای تحریم تنباکو، در ترانه عامیانه‌ای به اعلام جنگ از سوی میرزای شیرازی علیه حکومت اشاره می‌شود:

میرزا که داده حکم جنگ
با گوله و توپ و تفنگ

مشدی و الدنگ و درنگ؟
برخیز و قلیان را بیار

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج. ۱، ص. ۴۷۲)

شاه همچنین برای آرام کردن تبریز، میرزاعلی‌خان امین‌حضور را به این شهر می‌فرستد. میرزا آقاخان کرمانی از شنیده‌های خود برای ملک‌خان می‌نویسد: «سگی را

کارکرد شایعه‌سازی در فرهنگ سیاسی عامه در دوره قاجاریه، ... مهدی میرکیایی

در بازار می‌گردانند که این امین حضور است و لوله کاغذی برگردن او که این فرمان ملوکانه» (آدمیت، ۱۳۶۰، ص. ۴۲). این خبر به این صورت به گوش عین‌السلطنه سالور در همدان می‌رسد: «تبریز بابت عمل تنباکو اغتشاش دارد. امین حضور جهت نظم رفته بود، گرفته، با سگ در یک جا بسته‌اند» (سالور، ۱۳۷۴، ج ۱/ص. ۳۹۷). شاخ و برگی که به این خبر افزوده‌اند و شایع شدن اعمال چنین خشونت‌ی با نماینده شاه کافی است تا عامه را به آسانی تحریک کند تا با سایر فرادستان که مقامی فروتر از نماینده شاه دارند با خشونت‌ی به مراتب بیشتر رفتار کنند. از همین روست که کلنل کاساکوفسکی، فرمانده بریگاد قزاق در زمان ترور ناصرالدین شاه، نگران شایعاتی است که ممکن است به شورش منجر شود: «کلیه انتشارات از قهوه‌خانه‌ها صادر می‌شود که مردم در آنجا اجتماع نموده و هرگونه اکاذیبی که ممکن است ایجاد آشوب نماید محرمانه به هم ردوبدل می‌نمایند» (کاساکوفسکی، ۱۳۵۵، ص. ۷۶).

۹. تبدیل امیدها و آرزوها به شایعه

شایعه‌سازی در رفتار سیاسی فرودستان در ردیف کنش‌هایی طبقه‌بندی می‌شود که از «ظرفیت‌های شفاهی فرهنگ عامه» برای انتقال بهره می‌برند و در صورتی که گماشتگان قدرت متعرض ناقلان آن شوند «هر کس می‌تواند مسئولیت آن را به گردن دیگری بیندازد» (اسکات، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۵). به این ترتیب، ایجاد تغییر و تبدل در اخباری که دهان به دهان نقل می‌شود امری گریزناپذیر است که ناشی از انتقال شفاهی آن‌هاست و این انتقال شفاهی از ضروریات استتار سیاسی است. انتقال‌های شفاهی که «مؤلفان قابل شناسایی ندارند» افزون بر تأمین استتار سیاسی، به شاخ و برگ یافتن و اغراق و تحریف بیشتر شایعه منجر می‌شوند.

اما به بیان اسکات این تحریف و اغراق و شاخ و برگ‌هایی که به شایعه افزوده می‌شود به هیچ روی تصادفی نیست و از منطق خاصی پیروی می‌کنند: «هنگامی که سفر شایعه آغاز می‌شود به گونه‌ای تغییر می‌کند که به امیدها، ترس‌ها و جهان‌بینی کسانی که آن را می‌شنوند و بازگو می‌کنند نزدیک‌تر می‌شود. [...] شایعه مستلزم ازدست رفتن برخی اطلاعات و افزودن عناصری است که با حالات روانی پیام‌آوران همخوانی دارد» (اسکات، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۸). از همین جهت انتظار می‌رود شایعه با انتشار در میان طبقات، اقشار، مناطق و اصناف مختلف، صورت‌های متفاوتی پیدا کند و در این میان «آرزوها» نقش بیشتری در شکل دادن به شایعات بازی می‌کنند. توده‌ها «حوادث را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که با منافعشان همخوانی بسیاری داشته باشد و چیزی را باور می‌کنند که آرزوی آن را دارند» (همان، ص. ۱۵۹).

در میان شایعاتی که در عصر قاجاریه با اتکا به امیدها و آرزوهای توده پراکنده شدند شایعات حذف یا کاهش مالیات از بسامد بالایی برخوردارند. در اصفهان در آغاز نهضت مشروطه‌خواهی شایع شده بود که با مشروطه شدن کشور، دیگر نیازی به پرداخت مالیات نیست. هنگامی که میرزا اسدالله خان، پیشکار مالیه اصفهان، در سال ۱۳۲۵ هجری از کدخداهای سده طلب مالیات می‌کند، یکی از اهالی می‌گوید: (مگر باید مالیات هم داد؟) (مستوفی، ۱۳۷۷، ج. ۲/ص. ۱۶۸).

هنگامی نیز که چارلز ادوارد بیت در عصر ناصری از منطقه اسفراین دیدن می‌کند شایعات متعددی بر سر زبان‌ها می‌افتد که براساس یکی از آن‌ها بیت و همراهانش نمایندگان شاه هستند که برای تعدیل مالیات‌ها به آنجا سفر کرده‌اند (بیت، ۱۳۶۵، ص. ۵۱۹).

تبدیل امیدهای توده به شایعه، در ترانه‌ای که با رسیدن مظفرالدین شاه از تبریز به تهران بر سر زبان‌ها افتاد به چشم می‌خورد. در این ترانه به باز شدن در خزان و سرازیر شدن ثروت شاه به سوی مردم اشاره می‌شود:

گفتیم آب روون میشه

در خزینه وا میشه

جنس‌ها همه ارزون میشه

(شاملو، ۱۳۷۶، ج. ۱، ص. ۱۹۳)

آرزوی پیوستن به یکی از دو قدرت روسیه و انگلستان برای رهایی از ظلم قاجاریه نیز مضمون برخی دیگر از این گونه شایعات بود. بیت می‌نویسد:

اولین داستانی که شنیدم این بود که ما آمده بودیم تا این سرزمین‌ها را اشغال کرده و آن‌ها را به‌عنوان جزئی از خاک بریتانیا اعلام کنیم و قصد داریم تا دوباره این شهرهای ویران را آباد و پرجمعیت سازیم. عقیده دیگر این بود که ما گاوی را خواهیم کشت و پوست آن را به‌صورت نوارهای باریک، بریده، سر هم خواهیم کرد و از آن طنابی دراز درست کرده، بر زمین پهن می‌کنیم. آن مقدار از زمین که با این طناب پوشیده می‌شود جزو قلمرو بریتانیا محسوب شده، در اختیار آن کشور قرار می‌گیرد (همان، ص. ۳۵۷).

بیت در همین سفر با گروهی از مهاجران هراتی در خراسان مواجه می‌شود که علاقه‌مند به تصرف هرات به دست انگلستان بوده و شایعاتی را هم در این ارتباط پراکنده کرده بودند: «زمانی که با آن‌ها خداحافظی کردم عمامه از سر باز کرده و دعا نمودند که هرچه زودتر هرات به دست انگلیسیان مسخر گردد تا آنان بتوانند به خانه و کاشانه خود برگردند» و سپس شایعه‌ای را در این مورد به‌عنوان «چرندیات و داستان‌های عجیب و غریب» نقل می‌کند: «امیر کابل، قندهار و هرات را به‌انگلیسیان

داده و آن‌ها نیز در عوض پیشاور و لاهور را در اختیارش گذاشته‌اند، به زودی انگلیسیان به هرات وارد خواهند شد و با هیچ‌گونه مقاومتی از جانب افغان‌ها مواجه نخواهند گردید» (همان، ص. ۱۲۴).

۱۰. نتیجه

شایعه‌سازی در میان کنش‌های گوناگون سیاسی فرودستان در هر سه رویکرد اصلی مواجهه آن‌ها با سلطه و نیز در زمینه‌سازی برای بلوا و اعتراض خشونت‌بار قابل رصد است و ابزاری کارا برای نفی روایت رسمی حکومت، ختنی‌سازی راهبردهای حکمرانان در شکل دادن به روایت رسمی و گفت‌وگو با سلطه شمار می‌رود.

ویژگی بازتابی روایت نهانی توده‌ها آن‌ها را به واکنشی متوازن به روایت رسمی ارباب قدرت وامی‌دارد؛ از همین رو شایعاتی ساخته می‌شد تا اقتدار و صلابت قوای مسلح قاجاریه را به سخره بگیرد، از طرفی با پراکندن اخباری که یا بلاهت نخبگان مسلط را از پرده بیرون می‌انداخت یا برخی ویژگی‌های جسمی حیوانی را به آن‌ها منسوب می‌کرد و حتی آن‌ها را حرامزاده می‌خواند ادعای برتری و سیادت ذاتی آن‌ها را زیر سؤال می‌برد. همچنین، با انتشار شایعه‌هایی که بی‌توجهی زمامداران را به احکام شریعت برجسته می‌کرد شریعتمدار بودن ارباب قدرت را زیر سؤال می‌برد و این بخش از تابلوی برساخته حکومت را نیز بی‌اعتبار می‌کرد.

به این ترتیب، شایعه به ابزاری برای کشمکش با فرادستان در هر سه قلمرو مادی، منزلتی و ایدئولوژیک سلطه تبدیل می‌شد. عامه از شایعه‌سازی همچنین برای ناکام گذاشتن راهبرد بدنام‌سازی مخالفان که نخبگان مسلط نیز با پراکندن شایعاتی آن‌ها را پیش می‌بردند بهره می‌جستند. در اینجا نیز کنش نخست از سوی اصحاب سلطه با ساختن شایعاتی پیرامون مخالفانشان انجام می‌شد و توده‌ها، بنابر ویژگی بازتابی روایت

کارکرد شایعه‌سازی در فرهنگ سیاسی عامه در دوره قاجاریه، ... مهدی میرکیایی

نهانی، در واکنشی هم‌سنگ به ساختن شایعاتی در تکریم و بزرگداشت مخالفان حکومت دست می‌زدند. راهبرد اجماع حکمرانان نیز که بر یکپارچگی و اتحاد عناصر و اجزای حکومت قاجاریه تأکید داشت با ساختن شایعه‌هایی که مضمون آن‌ها مشاجرات، درگیری‌ها و کشمکش‌های نخبگان حاکم بود بی‌اثر می‌شد.

در گفت‌وگویی نیز که فرودستان تلاش می‌کنند با گروه‌های مسلط برقرار کنند و با استتارهای پیچیده و توسل به معانی دوگانه به تهدید یا سرزنش آن‌ها بپردازند شایعه‌ها کاربرد می‌یافتند. ساختن شایعاتی درباره رعیت‌پروری و دادپیشگی فرمانروایان سال‌های دور، سرزنشی ضمنی را برای حاکمان قاجاریه دربر داشت. همچنین اخبار برساخته‌ای از توانمندی مخالفان حکومت یا تحولاتی که در آینده نزدیک رخ خواهد داد تهدیدی تلویحی برای اصحاب سلطه به‌شمار می‌رفت.

کاربرد شایعه در رویارویی با قدرت به همین جا محدود نمی‌شد. شاخ و برگ که شایعات در مسیر انتشار خود پیدا می‌کردند و تحریف و اغراق‌های دائمی که آن‌ها را فربه‌تر و بُرنده‌تر می‌ساخت زمینه را برای اقدام‌های عملی مردم علیه فرادستان فراهم می‌کرد؛ اخباری که می‌توانست حساسیت عموم مردم را نسبت به اعمال ارباب قدرت بیشتر کند آن‌ها را به آستانه شورش و بلوا می‌کشاند و شایعاتی که در واقع برای تحقیر و تنبیه برخی فرادستان منتشر می‌شد بر جسارت توده‌ها در انتقام‌جویی واقعی از آن‌ها می‌افزود.

افزون‌براین، عامه، امیدها، آرزوها و انتظارات خود را از زمامداران به شایعه تبدیل می‌کردند تا دستاویزی برای تعدیل بهره‌کشی‌ها داشته باشند. به این ترتیب، شاخ و برگ یافتن و دگرگون شدن شایعات، مسیری اتفاقی را نمی‌پیمود و به صورت کاملاً هم‌آوا و همسو با دغدغه‌ها، اهداف و آرزوهای توده در رودررویی و کشمکش با فرادستان تغییر

شکل می‌یافت و در حیات سیاسی فرودستان هویتی مشخص و جایگاهی دائمی پیدا می‌کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. James C. Scott
2. Jakob Eduard Polak
3. Valentin Zhukovski
4. Wilfrid Sparroy
5. Charls Edward Yate
6. Vladimir Andreevich Kosogovski

منابع

- آدمیت، ف. (۱۳۶۰). *شورش بر امتیازنامه رژی*. تهران: پیام
- آلپورت، ج.د.، و پستمین، ل. (۱۳۷۴). *روان‌شناسی شایعه*. ترجمه س. دبستانی. تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما.
- اسپاروی، و. (۱۹۰۲). *فرزندان دریاری ایران*. ترجمه م.ح. آریا لریستانی (۱۳۸۷). تهران: قلم
- اسکات، ج. (۱۹۹۲). *سلطه و هنر مقاومت: روایت‌های نهانی*. ترجمه ا. خاکباز (۱۳۹۶). تهران: نشر مرکز.
- اعتمادالسلطنه، م. (۱۳۷۱). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*. به کوشش ا. افشار. تهران: امیرکبیر.
- امانت، ع. (۲۰۰۵). *قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران*. ترجمه ح. کامشاد (۱۳۸۵). تهران: کارنامه.
- بامداد، م. (۱۳۶۳). *شرح حال رجال ایران*. ج ۲. تهران: زوار.
- پولاک، ی. (۱۸۷۱). *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*. ترجمه ک. جهاننداری (۱۳۶۸). تهران: خوارزمی.

کارکرد شایعه‌سازی در فرهنگ سیاسی عامه در دوره قاجاریه، ... مهدی میرکیایی

خاوری شیرازی، ف. (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین. ج ۱. به کوشش ن. افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

دولت‌آبادی، ی. (۱۳۶۲). حیات یحیی. ج ۱. تهران: فردوسی.

دهقان‌نژاد، م.، و ورفی‌نژاد، ا. (۱۳۹۱). مسئله جانشینی، بی‌اعتمادی سیاسی و بازتاب‌های آن در نهاد وزارت دوره قاجار. پژوهش‌های تاریخی، ۴، ۲۵-۶۵.
دیفونزو، ن.، و بردیا، پ. (۱۳۹۶). روان‌شناسی شایعه. ترجمه م. سپاه‌منصور. تهران: آسمان نیلگون.

ژوکوفسکی، و. (۱۹۰۲). ترانه‌های عامیانه ایران در عصر قاجاری. به کوشش ع. نوایی (۱۳۸۲). تهران: اساطیر.

ساروی، ف. (۱۳۷۱). تاریخ محمدی. به کوشش غ.ر. طباطبایی مجد. تهران: امیرکبیر.

سالور، ق. (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. ج ۲. به کوشش م. سالور و ا. افشار. تهران: اساطیر.

سیاح محلاتی، م. (۱۳۵۶). خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت. به کوشش س. گلکار. تهران: امیرکبیر.

شاملو، ا. (۱۳۷۸). کتاب کوچه. حرف الف. دفتر دوم. تهران: مازیار.

شعبانی مقدم، ع.، و جعفری، ع.ا. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل نقادانه علل اشتها کاشانیان به ترسویی در دوره قاجار. جستارهای تاریخی، ۲، ۸۵-۱۰۴.

شیخ رضایی، ا.، و آذری، ش. (۱۳۷۷). گزارش‌های نظمیه از محلات تهران. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

کاساکوفسکی، و. (۱۹۵۵). خاطرات کننل کاساکوفسکی. ترجمه ع. قلی جلی (۱۳۵۵). تهران: کتاب‌های سیمرغ.

کرمانی، ن. (۱۳۸۴). تاریخ بیداری ایرانیان. تهران: امیرکبیر.

مارتین، و. (۲۰۰۵). عهد قاجار. ترجمه ح. زنگنه (۱۳۸۷). تهران: ماهی.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۱۰، شماره ۴۳، فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۱

مستوفی، ع. (۱۳۷۷). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی، اداری دوره قاجار. ج ۱ و ۲. تهران: زوار.

ممتحن الدوله شقاقی، م. (۱۳۶۲). خاطرات ممتحن الدوله. به کوشش ح. قلی خان شقاقی. تهران: فردوسی.

نورائی، م.، دهقان نیری، ل.، و ابوالحسنی ترقی، م. (۱۳۸۹). مقایسه تحلیلی سنت شفاهی با تاریخ شفاهی. پژوهش‌های تاریخی، ۱، ۳۵-۵۲.

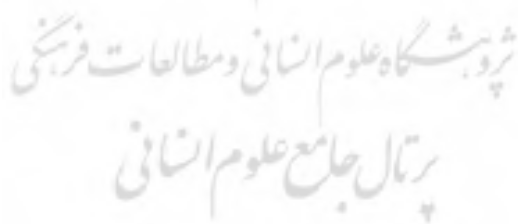
ییت، چ. (۱۸۸۵). خراسان و سیستان. ترجمه ق. روشنی زعفرانلو و م. رهبری (۱۳۶۵). تهران: یزدان.

هدایت، ص. (۱۳۷۸). فرهنگ عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه.

References

- Adamyat, F. (1981). *Rebellion against Reggie's contract*. Payam.
- Allport, G. W., & Postman, L. (1947). *The psychology of rumor* (translated into Farsi by S. Dabestani). Center for Research, Information, and Program Review.
- Amanat, A. (1997). *Pivot of the universe: Nasir al -Din shah Qajar and the Iranian monarchy. 1831-1896* (translated into Farsi by H. Kamshad). Namak.
- Bamdad, M. (1984). *Biography of the elites of Iran* (Vol. 2 & 5). Zavar.
- Difonzo, N., & Bordia, P. (2007). *Rumor psychology: social and organizational approaches*. (translated into Farsi by M. Sepahmansour). Asmane Nilgoon.
- Etemad-ol-Saltaneh, M. (1992). *Memoirs of Etemad-ol-Saltaneh* (edited by I. Afshar). Amirkabir.
- Hajj Sayyah, M. (1977). *Memoirs of Hajj Sayyah or the period of fear and horror* (edited by S. Golkar). Amirkabir.
- Hedayat, S. (1999). *Folk culture of the people of Iran*. Cheshmeh.
- Kermani, N. (2005). *History of the Iranians awakening*. Amirkabir.
- Khavari Shirazi, F. (2001). *History of Dhu al-Qarnayn* (edited by N. Afsharfar). Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Kosogovski, V. A. (1955). *Memoirs of colonel Kosogovski* (translated into Farsi by A. Jali). AmirKabir.

- Martin, V. (2005). *The Qajar pact: bargaining, protest and the state in nineteenth - century Persia* (translated into Farsi by H, Zangane). Mahi.
- Momtahn –ol-dole Shaghghi, M. (1983). *Memoirs of Momtahn –ol-dole* (edited by H. Qoli Khan Shafaqi). Ferdowsi.
- Mostofi, A. (1998). *My biography or social and administrative history of Qajar period*. Zavar.
- Salur, M. (1995). *Memoirs of Eyn Al-Saltanah* (edited by M. Salur, & I. Afshar). Asatir.
- Saravi, F. (1992). *Mohammadi history* (edited by G. R. Tabataba'i Majd). Amirkabir.
- Scott, J. (1990). *Domination and the arts of resistance: hidden transcripts* (translated into Farsi by A. Khakbaz). Markaz.
- Shamloo, A. (1999). *Alley book*. Maziar.
- Sheikh Rezaei, E., & Azari, Sh. (1998). *Police reports from Tehran districts*. National Archives of Iran.
- Sparroy, W. (1902). *Persian children of the Royal family: the narrative of an English tutor at the court of zillus-sultan* (translated into Farsi by H, Arya Lorestani). Qalam.
- Yate, C. E. (1900). *Khurasan and Sistan* (translated into Farsi by Q. Zaferanlou & M. Rahbari). University of Tehran.
- Zhoukovski, V. A. (1902). *The Qajari folk songs* (edited by A. Navaei). Asatir.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی